



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۵ بهمن ۱۳۹۳  
مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۳۶  
جلسه: ۶۰

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

موضوع جزئی: مسئله دوم - فروع مسئله

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در مسئله دوم امام (ره) درباره چهار گروه از کسانی که از معدن استخراج می‌کنند و به طریقی ما استخراج من المعادن توسط این اصناف به یک شیعه می‌رسد، تکلیف این شیعه را از حیث لزوم اخراج خمس یا عدم لزوم اخراج خمس بیان کردند. فرمودند: اگر مستخرج کافر یا مخالف باشد که به نوعی اعتقاد به خمس ندارند، در این صورت مالی که از این دو نفر به شیعه می‌رسد لازم نیست تخمیس شود. دلیلش را هم ادله تحلیل و اخبار تحلیل و اباحه ذکر کردند. اما در مورد دو گروه یعنی شیعه‌ای که اجتهاداً یا تقلیداً معتقد به عدم وجوب خمس در بعضی موارد است یا مطلقاً عقیده به وجوب خمس ندارد به زعم اینکه در عصر غیبت، خمس از طرف ائمه (ع) بر شیعیان مباح شده، فرمودند: اگر مالی از این دو نفر و دو گروه به یک شیعه منتقل شود در صورتی که بداند آنها خمس نداده‌اند بر او لازم است که خمس بدهد.

علت اینکه فرمود «در صورت علم به عدم تخمیس» این است که ممکن است کسی معتقد به خمس نباشد، اما به هر صورت خمس را داده باشد. بعد در مورد شک در رأی و اعتقاد آن شخص یا در صورت احتمال اداء خمس هم فرمودند خمس واجب نیست.

### ملاحظات در باره مسئله دوم تحریر

در رابطه با تفصیلی که امام در این مسئله داده‌اند، دو ملاحظه وجود دارد:

#### ملاحظه اول

به طور کلی با اینکه امام در این مسئله چهار صنف را مطرح کردند و تکلیف تخمیس اموالی که از این چهار صنف به شیعیان برسد را بیان کرده است اما می‌شود یک صنف پنجمی هم به این چهار گروه اضافه کرد و آن هم شیعه‌ای است که اعتقاد به وجوب خمس دارد و خمس را در همه اقسامش قبول دارد، لکن عملاً اخراج خمس نکرده یعنی کسی است که مشکلی از نظر اعتقاد به وجوب خمس ندارد اما در مقام عمل خمس نمی‌دهد و کم له من نظیر فی زماننا هذا. بسیاری از مردم این گونه هستند و خمس را قبول دارند و به بهانه‌ای از زیر بار اداء و اخراج خمس فرار می‌کنند. اگر یک مالی از چنین کسی به شیعه‌ای برسد، تکلیف چیست؟ حکم این صنف در کلمات امام بیان نشده است.

پس در مجموع ما اینجا با پنج صنف و گروه مواجه هستیم یعنی ممکن است مالی به یک شیعه برسد لکن امام (ره) فرمودند: اگر این مال از کافر یا مخالف به شیعه برسد خمس واجب نیست. اما اگر از یک شیعه معتقد به عدم وجوب خمس فی بعض الاقسام یا شیعه معتقد به عدم وجوب خمس فی تمام الاقسام برسد، و شخص بداند که معتقد نیست و خمس را اداء نکرده، باید خمس دهد. صورت پنجم هم شیعه معتقد به خمس ولی غیر عامل است.

به نظر ما تفصیل امام (ره) تمام نیست؛ مقتضای جمع بین اخبار تحلیل و اخباری که دلالت بر لزوم خمس می‌کند، این است که به طور کلی اگر مالی از غیر شیعه یا شیعه‌ای که شخص خمس نداده به شیعه برسد، به واسطه اخبار تحلیل، خمسش حلال شده است. ما این مسئله را به تفصیل در گذشته بیان کردیم و گفتیم هر مالی که توسط کسی که خمس نداده به یک شیعه منتقل شود خمس بر عهده شیعه نیست و فرقی نمی‌کند آن کسی که خمس نداده، خمس ندادنش ناشی از عدم اعتقاد به اصل دین باشد مثل کافر یا ناشی از انکار بعضی از فروع باشد مثل مخالف یا ناشی از اعتقادش به عدم وجوب خمس در همه موارد در عصر غیبت باشد یا ناشی از اعتقادش به عدم وجوب خمس در بعضی موارد باشد یا اساساً مشکلی از حیث اعتقادی ندارد و اگر خمس نداده به خاطر بی‌مبالاتی است. در همه این موارد پنج‌گانه، خمس بر شیعه‌ای که این مال به او منتقل شده واجب نیست. این مقتضای جمع بین اخبار است و واقعاً هم شاید اگر غیر از این می‌بود، کار مشکل می‌شد. به هر حال کسانی که خمس نمی‌دهند زیاد هستند و اگر قرار بود هر مالی که در معامله یا هبه‌ای یا به هر طریقی به کسی می‌رسید، خمسش را بدهد کار مشکل می‌شد و بسیاری از معاملات مردم با مانع برخورد می‌کرد و موجب عسر و حرج و مشکلات برای مردم می‌شد.

حال اگر ما این مبنا را بپذیریم که حق هم همین است وجهی برای این تفصیل امام نیست. ما به چه دلیل بین کافر و مخالف و شیعه‌ای که مثلاً خمس را قبول ندارد (نه اینکه حکم را انکار کند بلکه می‌گوید در عصر غیبت برای شیعه مباح شده است) فرق بگذاریم؟ پس بناءً علی ما ذکرنا و بناءً علی ما اخترناه لا وجه لهذا التفصیل و حق این است که هر مالی که از غیر شیعه به شیعه برسد، خمس آن بر شیعه واجب نیست.

سؤال: به طور کلی تکلیفی که بر کسی واجب است چرا باید بر عهده دیگری گذاشته شود. لذا اصلاً جایی برای این بحث باقی نمی‌ماند.

استاد: درست است که خمس به عنوان یک تکلیف واجب است اگر کسی این کار را نکند یعنی یک پنجم این مال در حقیقت مال خودش نبوده که به شما فروخته است. اگر فرض کنید یک کسی ولی مالی را به شما بفروشد که یک پنجم آن مال غیر است. اگر کسی ملک غیر و ملکی که مخلوط با ملک خودش است را به شما فروخت. آیا شما می‌توانید در این یک پنجمی که مال فروشنده نبوده به ادعای اینکه من خریدم تصرف کنید؟ این بعینه در خمس هم جاری می‌شود. وقتی می‌گوییم یک پنجم ما یستخرج من المعدن یا یک پنجم ریح و تجارت متعلق به امام و سادات است، در حقیقت یک پنجم از مالش ملک غیر است و متعلق به دیگری است پس شما هم نمی‌توانید در این یک پنجم تصرف کنید مگر اینکه این پول را اخراج کنید و به صاحبش بدهید. اخبار تحلیل که زیاد هم بود، خمس را بر شیعه مباح کرد اما در کنارش چون ما اخباری داریم دال بر لزوم اداء خمس مطلقاً جمع بین اینها اقتضا کرد به اینکه ملتزم شویم که اگر ائمه (ع) مباح (حلال) کردند یک پنجم را برای شیعه. این مطلقاً نیست. ائمه در مواردی که یک مالی مثلاً از دیگری به یک شیعه می‌رسد و او اهل خمس دادن نبوده، گفته‌اند ما این یک پنجم را به شما بخشیدیم. پس به حسب قاعده اگر اصل خمس ثابت شد و مالکانش معلوم شدند، این یک پنجم مال غیر است و لذا جا برای این بحث هست.

پس به نظر ما وجهی برای این تفصیل که امام (ره) بین این صور ذکر کرده‌اند نیست. حکم همه یکسان است حتی این حکم (عدم وجوب خمس) در صورتی که مال از یک شیعه غیر عامل اما در عین حال معتقد به وجوب خمس برسد، نیز ثابت است.

### مستند حکم امام در سه فرع تحریر

حالا باید ببینیم چرا امام (ره) در این مسئله چنین حکمی را داده‌اند یعنی بنابر پذیرش تفصیل امام بین کافر و مخالف و بین آن دو گروه شیعه. امام (ره) در اینجا سه فرع مطرح کرده‌اند.

۱- امام (ره) فرمود: در صورتی که شک در رأی شیعه داشته باشیم یعنی ما نمی‌دانیم که این شیعه معتقد به خمس هست یا نیست، آیا در خصوص این قسم لازم است فحص کنیم و ببینیم اگر خمس نداده خمس بدهیم؟ امام می‌فرماید: فحص واجب نیست. چرا فحص واجب نیست؟ اگر ما شک داشته باشیم چرا فحص واجب نیست؟ در این مسئله بر طبق مبنای ما که گفتیم به طور کلی اگر از غیر شیعه مالی به شیعه منتقل شود، خمس واجب نیست، مطلب روشن است اما طبق مبنای دیگر علت اینکه امام می‌فرماید فحص واجب نیست این است که این مورد از موارد شبهات موضوعیه است و در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست. لذا ایشان می‌فرمایند که: «نعم مع الشک فی رأیه لا یجب علیه الفحص» اگر ما شک داریم که این شخص شیعه معتقد است یا نه، فحص لازم نیست چون از مصادیق فحص در شبهات موضوعیه است که واجب نیست.

۲- «و لا التخمیس مع احتمال ادائه»؛ اگر احتمال اداء خمس را دادیم آیا خمس واجب است یا نه؟ امام می‌فرماید لازم نیست تخمیس شود. چرا این فتوی را دادند؟ چون فرض این است که کسی که اعتقاد به وجوب دارد و مسلمان است، ظاهر حالش اقتضا می‌کند که خمس را داده باشد و همین که ما احتمال اداء خمس را بدهیم کفایت می‌کند. البته اینجا سخن از اعتقاد وجوب به میان نیاوردند و مطلق گفتند: «لا التخمیس مع احتمال ادائه» یعنی اگر ما احتمال دادیم کسی خمس را اداء کرده، این احتمال در صورتی جریان دارد که شخص اعتقاد به وجوب خمس داشته باشد و احتمال اداء خمس توسط او داده شود، در اینجا دیگر توسط این شخص منتقل الیه تخمیس لازم نیست. چون ظاهر حال مسلمان معتقد به یک فرع و تکلیف این است که به آن تکلیف عمل کند.

۳- «ولکن مع العمل بمخالفة رأیها»؛ اگر یقین دارد کسی معتقد است به عدم وجوب خمس فی بعض الاقسام یا کسی معتقد است به عدم وجوب الخمس مطلقاً؛ شیعه‌ای که خمس را در بعضی موارد قبول ندارد یا شیعه‌ای که خمس را در همه موارد قبول ندارد. اگر بداند شیعه‌ای، چنین اعتقادی دارد «فالاحوط بل الاقوی التجنب حتی یخمس»؛ (اول احتیاط وجوبی می‌کنند بعد فتوی می‌دهند) احوط بلکه اقوی این است که از این مال اجتناب کند تا تخمیس شود یا تخمیس کند.

در فرع سوم هم نظرشان این شد که باید خمس داده شود. وجه این هم معلوم است چون در صورت علم به مخالفت یعنی علم به عدم اعتقاد به خمس (یا کلاً یا بعضاً)، ظاهر حال مسلم جریان پیدا نمی‌کند. وقتی ما می‌دانیم این شخص اعتقاد ندارد معلوم است که ظاهر حال او این است که بر اساس اعتقادش عمل کنند. اگر کسی به چیزی اعتقاد نداشته باشد، ظاهرش این است که عملی انجام نمی‌دهد. کسی که معتقد است خمس واجب نیست، ظاهرش این است که خمس نداده و

لذا اینجا واجب است که خمس بدهد. به علاوه استصحاب هم در صورت شک اقتضا می‌کند که خمس بر من انتقل الیه واجب باشد.

پس در این سه فرع که امام اظهار نظر فرمودند، وجه حکم امام (ره) و مستند فتوی و نظر امام معلوم شد. اما بنا بر آنچه که ما گفتیم و اختیار کردیم، تکلیف در این سه فرع هم معلوم است؛ در صورت اول با ایشان موافقیم. ما می‌گوییم اگر بداند خمس نداده. این عدم اداء خمس توسط من انتقل منه می‌خواهد بخاطر اعتقاد باشد یعنی به خاطر دین و مذهب باشد یا به خاطر بی‌مبالاتی. ما می‌دانیم که خمس این مال داده نشده، در هر صورت بر من انتقل الیه تخمیس واجب نیست. بنابر آنچه که ما گفتیم فرقی بین این صور و فروع نیست و حکم همه معلوم است و خمس واجب نیست. چه احتمال ادا بدهیم و چه ندهیم و چه شک در رأی او داشته باشیم و چه نداشته باشیم. چه علم به مخالفت رأیها داشته باشیم و چه نداشته باشیم. بنابر آن مبنا مسئله کاملاً روشن است.

## دو مسئله

تا اینجا دو مسئله را که امام در رابطه با معدن ذکر کردند تمام شد. بحث بعدی امام راجع به کنز است اما ما طبق معمول و عادت که در بحث‌های گذشته هم داشتیم، بعضی از فروعی که مهمتر است و به نظر می‌رسد که بحث مفیدی باشد و مرحوم سید آنها را در عروة متعرض شده و در تحریر نیامده، اجمالاً یک بحثی درباره‌اش داریم.

## مسئله اول

در اینجا دو مسئله است که امام متعرض آن نشدند ولی مناسب است که از آن بحث شود. یکی مسئله هفتم عروة است که موضوعش پیرامون پیدا شدن یک مالی است که از معدن خارج شده، در صحرا و بیابان و در ارض به امان خدا رها شده. اگر کسی استخراج نکند و خودش مستخرج نباشد اما کنار معدن این مال را پیدا کند. مثلاً از کنار معدن طلا رد می‌شود و می‌بیند که طلا آنجا هست یا زلزله می‌شود و یا یک اتفاقی می‌افتد و آنچه که در بطن زمین است بیرون می‌آید و یا اینکه یک حیوانی در اعماق زمین رفته و یک چیزی را از عمق زمین در آورده. به علتی چه طبیعی و چه غیر طبیعی، چه عامل انسانی و چه غیر انسانی چیزی از معدن بیرون آمده و کسی این را یافته، آیا واجد این مالی که از معدن بیرون آمده یا به سبب طبیعی و یا غیر طبیعی، باید خمس بدهد به شرط اینکه به حد نصاب برسد یا نه؟

عبارت مرحوم سید این است: «إذا وجد مقداراً من المعدن مُخرجاً مطروحاً فی الصحرا فإن علم انه خرج من مثل سيل او الريح او نحوهما او علم ان المخرج له حيوان او انسان لم يخرج خمسة و جب عليه اخراج خمسة على الاحوط اذا بلغ النصاب»؛ اگر کسی یک چیزی که از معدن خارج و در صحرا رها شده پیدا کند، احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهد. ظاهرش این است که این واجد مالک این مال می‌شود و خمسش را باید بدهد به شرط اینکه به حد نصاب رسیده باشد. «بل الاحوط ذلك» یعنی وجب الاخراج و ان شك فی ان الانسان المخرج له اخراج خمسة او لا. احتیاط واجب آن است که خمس بدهد. هر چند شک داشته که آن انسانی که این را در آورده خمسش را داده یا نداده است.

**بحث جلسه آینده:** در حقیقت در اینجا سید متعرض بعضی صور شده اما مسئله صور بیشتری دارد و اقوال در آن مختلف است که إن شاء الله در جلسه آینده مورد رسیدگی قرار خواهیم داد. «الحمد لله رب العالمین»